



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مالکیت معنوی

تاریخ: ۱۱ آذر ۱۴۰۴

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه هفتم: موضوع مالکیت فکری -

مصادف با: ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۷

بررسی امکان مالکیت و نوع آن براساس دیدگاه‌های هفت گانه درباره مالکیت معنوی

سال اول

جلسه: ۱۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث ما در مهم‌ترین مقدمه از مقدمات بحث مالکیت فکری یا معنوی بود؛ عرض کردیم این مقدمه به جهت اینکه بستر و زمینه را برای بررسی بهتر و دقیق‌تر ادله فراهم می‌کند، بسیار مهم است. لکن در این مقدمه هم بعد از بیان مطالب سه‌گانه گذشته، چند مطلب دیگر که نقش تعیین‌کننده‌ای در این بحث دارد، باقی مانده است. سه مطلبی که ما گفتیم و اکنون فهرست آن را بیان می‌کنیم (به دلیل اینکه وقفه دو هفته‌ای ایجاد شد)، عبارتند از:

۱. یکی درباره ماهیت مالکیت معنوی بود؛ گفتیم در رابطه با اینکه ماهیت آن چیزی که ما درباره حقوق و مالکیت آن بحث می‌کنیم، هفت دیدگاه و نگاه درباره آن وجود دارد. برخی آن را یک عین جزئی خارجی می‌دانند و برخی می‌گویند این یک عین کلی است؛ برخی آن را عبارت از فعل و عمل پدیدآورنده می‌دانند؛ عده‌ای معتقدند خود فکر و اندیشه محل بحث است؛ برخی هم هیأت حاصل از فکر و اندیشه که در قالب اثر مادی ظاهر می‌شود را ملتزم شده‌اند؛ عده‌ای می‌گویند این خلاقیت و ابتکار است؛ جمعی هم خود اطلاعات یا انتقال پیام به مخاطب را به عنوان آن چیزی که متعلق مالکیت یا حق قرار می‌گیرد، معرفی کرده‌اند.

۲. مطلب دوم درباره حق و بعضی از مسائل مربوط به آن بود.

۳. مطلب سوم درباره ملکیت و متعلقات آن و آنگاه تفاوت بین حق و ملک.

مطالبی که باقی مانده و بسیار مهم است، این است که این چیزی که در این بحث موضوع قرار گرفته، آیا از سنخ حق است یا ملک؟ اگر حق است، چه نوع حقی است؟ اگر ملک است، چه نوع ملک است؟ مسئله مهم دیگر اینکه آیا اساساً مالیت دارد یا نه؟ اینهاست که دقیقاً محل نزاع و بحث را معلوم می‌کند و ما می‌توانیم در بررسی از ادله، به دقت ببینیم آیا آنچه که موضوع قرار گرفته، مشمول آن ادله واقع می‌شود یا نه.

مطلبی که باید بررسی کنیم، این است که اگر ما رابطه بین پدیدآورنده اثر و خود پدیده را بخواهیم بسنجیم، این رابطه از جنس ملک است یا حق؟ ملکیت بر دو قسم است؛ ملکیت ذاتی و تکوینی، و ملکیت اعتباری. پس دقت بفرمایید که عنوان کلی این بحث، تبیین نوع رابطه آفریننده اثر و خود اثر است؛ آیا آفریننده اثر، ذو الحق محسوب می‌شود یا مالک؟ آن وقت در مرحله بعد باید ببینیم در صورتی که حق باشد، چه نوع حقی است. ضمناً اگر ملک است، معلوم شود که این ملکیت تکوینی است یا اعتباری. طبیعتاً با توجه به اینکه درباره ماهیت مالکیت معنوی و فکری هفت دیدگاه وجود دارد، باید این رابطه را در قالب

این هفت دیدگاه بررسی کنیم؛ البته نهایتاً جمع‌بندی و نظر تحقیقی خودمان را بیان خواهیم کرد.

بررسی امکان ملکیت و نوع آن براساس دیدگاه‌های هفت‌گانه درباره مالکیت معنوی

ابتدا ببینیم آیا این هفت دیدگاه قابلیت ملکیت دارند یا نه؛ اگر این قابلیت را دارند، بر کدام یک ملکیت ذاتی منطبق می‌شود و بر کدام یک ملکیت اعتباری.

بر طبق دیدگاه اول

یک دیدگاه این بود که آن چیزی که ما درباره آن بحث می‌کنیم و مالکیت معنوی و فکری حول محور آن دُور می‌زند، عبارت از یک عین جزئی خارجی است. طبیعتاً امکان ملکیت نسبت به عین جزئی خارجی وجود دارد؛ همانطور که انسان می‌تواند مالک هر چیزی باشد که در خارج موجود است (به استثنا آن چیزهایی که از دید شارع قابلیت تملک ندارد)، اینجا هم می‌تواند مالک محسوب شود. مثلاً اگر گفتیم آن چیزی که مالکیت فکری به آن متعلق شده، خود این کتاب خاص است که نوشته شده و بین این دو جلد قرار گرفته؛ این یک عین جزئی خارجی است. ملکیت نسبت به این ممکن است، اما از آنجا که خارج از وجود انسان و یک شیء جدا از وجود انسان است، تنها می‌تواند به عنوان ملکیت اعتباری در نظر گرفته شود؛ یعنی انسان قطعاً نسبت به اشیاء و اعیان خارجی مالکیت تکوینی و ذاتی ندارد، چون مالکیت تکوینی و ذاتی فقط نسبت به چیزهایی ممکن است که در وجود خود انسان باشد. مثلاً انسان مالک فعل خودش است؛ چون فعل چیزی جدا از وجود انسان نیست؛ ما اینجا دو چیز نداریم. بر این اساس، امکان اینکه انسان نسبت به یک عین جزئی خارجی ملکیت تکوینی یا ذاتی داشته باشد، وجود ندارد؛ تنها ملکیت اعتباری نسبت به آن عین جزئی خارجی قابل تصویر است.

بر طبق دیدگاه دوم

اگر گفتیم آن چیز عبارت از عین کلی خارجی است، باز هم به خاطر اینکه یک شیء جدا از وجود انسان است، ملکیت تکوینی و ذاتی نسبت به آن معنا ندارد. همانطور که گفتیم، عین کلی خارجی یعنی هر کتابی که منتشر شود، یعنی مؤلف این کتاب را نوشته ولی هر کتابی که از روی آن کپی و منتشر شود، متعلق مالکیت فکری یا معنوی است. اگر دیدگاه ما این باشد، اینجا هم ملکیت اعتباری قابل تصویر است اما ملکیت تکوینی متصور نیست؛ چون یک شیئی خارج از وجود انسان است؛ ما اینجا دو شیء داریم و هر جا پای دو شیء یا دو چیز به میان آید، ملکیت ذاتی و تکوینی معنا ندارد، بلکه ملکیت اعتباری قابل تصویر است.

بر طبق دیدگاه سوم

دیدگاه سوم این بود که آن چیزی که توسط شخص مخترع یا مؤلف ایجاد می‌شود و آن اثر پدید می‌آید، فعل و عمل مؤلف و مخترع است؛ یعنی کاری که مؤلف یا مخترع انجام می‌دهد، منجر به چیزی می‌شود که به عنوان اختراع از آن یاد می‌کنند یا کتابی که دیگران می‌توانند آن را بخوانند. پس این کتاب یا اختراع، نتیجه فعل شخص است و این فعل و عمل مملوک آفریننده اثر است؛ او مالک عمل خودش است؛ ملکیت او هم نسبت به عمل خودش، ملکیت تکوینی است نه اعتباری. اینجا ملکیت اعتباری معنا ندارد؛ ملکیت تکوینی و ذاتی نسبت به فعل و عمل شخص وجود دارد. البته این ملکیت موجب احداث یک سلطنت یا حقی نسبت به آن اثر می‌شود؛ یعنی زحمت و تلاش یک مؤلف، نتیجه‌ای به نام کتاب دارد. آنچه این شخص نسبت به آن مالک است، فعل اوست؛ این شخص ساعت‌ها فکر و اندیشه کرده، مطالب را بررسی کرده تا توانسته این کتاب را بنویسد.

این کتاب نتیجه عمل و تلاش فکری اوست؛ به همین دلیل نسبت به این کتاب حق اختصاص یا اولویت یا سلطنت پیدا می‌کند؛ چون مبانی در باب حق مختلف است. پس طبق دیدگاه سوم، شخص پدیدآورنده اثر نسبت به فعل و عمل خودش ملکیت تکوینی و ذاتی دارد.

بر طبق دیدگاه چهارم

دیدگاه چهارم این بود که حقیقت مالکیت فکری همان فکر و اندیشه است؛ این غیر از دیدگاه سوم است. در دیدگاه سوم، خود فعل و تلاش مورد نظر بود، اما اینجا می‌گویند آن فکر و اندیشه است که منجر به یک اختراع و ابداع یا یک کتاب می‌شود. حالا نسبت آفریننده اثر با اثر، چه نسبتی است؟ طبق نظریه ملکیت، بر این مبنا شخص پدیدآورنده اثر، مالک تکوینی فکر و اندیشه خودش است. بالاخره فکر در وجود انسان است و خارج از او نیست؛ اینجا دوگانگی وجود ندارد؛ یک شیء بیرون از ذات انسان نیست. بنابراین طبق این دیدگاه می‌توانیم بگوییم پدیدآورنده اثر مالک فکر و اندیشه خود است که البته این فکر و اندیشه نتیجه‌ای به نام کتاب یا وسیله اختراع شده دارد و او می‌تواند از نتیجه این فکر و اندیشه بهره ببرد. مثلاً از باب سلطنتی که بر فکر و اندیشه دارد، بر نتایج فکر و اندیشه هم سلطنت پیدا کند. ما اول مسئله را به حسب مقام ثبوت بررسی می‌کنیم؛ امکان‌سنجی می‌کنیم که اگر این رابطه از سنخ ملکیت باشد، طبق دیدگاه‌های هفت‌گانه گفته شده، کدام نوع از ملکیت قابل تطبیق و تصویر است.

بر طبق دیدگاه پنجم

دیدگاه پنجم این بود که ماهیت مالکیت معنوی یا فکری، همان هیأت حاصل از فکر و اندیشه است که البته در قالب یک اثر مادی بروز و ظهور پیدا کرده است. معنای فکر و اندیشه مشخص است؛ کسی که کتاب می‌نویسد، این فکر و اندیشه را در یک قالبی ارائه می‌دهد. در کتاب یک سری کلمات و جملات کنار هم قرار می‌گیرند و صفحه به صفحه از این واژه‌ها و کلمات پر می‌شود و نهایتاً یک کتاب پدید می‌آید. چینش کلمات و قرار گرفتن کلمات و جملات کنار یکدیگر، همان هیأت حاصل از فکر و اندیشه است که ما آن را در شکل کتاب می‌بینیم؛ کتاب، اثر مادی و محصول آن هیأتی است که با فکر و اندیشه حاصل شده است. یک وقت این هیأت در ذهن است و یک وقت در قالب کتاب و اثر مادی بروز و ظهور پیدا می‌کند. حال، طبق این دیدگاه، آیا انسان می‌تواند نسبت به این هیأت مالکیت داشته باشد؟ اگر مالکیت داشته باشد، چه نوع مالکیتی است؟ اینجا تارة ما خود این هیأت را در ذهن مورد ملاحظه قرار می‌دهیم و آخری آن خروجی را که در قالب اثر مادی ظاهر شده است. اگر این هیأت حاصل از فکر و اندیشه را در ذهن و بدون ملاحظه آن اثر مادی ببینیم، اینجا مالکیت انسان نسبت به این هیأت از سنخ مالکیت تکوینی و ذاتی است؛ چون این هیأت در ذهن انسان است و چیزی خارج از وجود انسان نیست؛ انسان بر افکار و اندیشه‌ها و هیأت‌های حاصل از فکر و اندیشه، ذاتاً و تکویناً سلطنت دارد و مالک محسوب می‌شود؛ این در ذهن خود اوست. اما اگر ما این هیأت را به لحاظ اثر مادی ببینیم، این چیزی خارج از وجود انسان است. لذا مالکیت انسان نسبت به آن هیأتی که در اثر مادی بروز و ظهور یافته، ملکیت اعتباری خواهد بود؛ چون این یک شیء خارج از وجود انسان است.

بر طبق دیدگاه ششم

دیدگاه ششم این بود که ماهیت مالکیت فکری یا معنوی، همان خلاقیت و ابتکار است؛ یعنی آن چیزی که ریشه اختراع و تألیف است، ابتکار و ایده خلاقانه است. البته ممکن است کسی بگوید خلاقیت و ابتکار به همان فکر و اندیشه برمی‌گردد و

چیزی جدا از فکر و اندیشه نیست (دیدگاه چهارم)؛ یا ممکن است کسی بگوید خلاقیت و ابتکار بازگشت به دیدگاه پنجم دارد، یعنی همان هیأت حاصل از فکر و اندیشه. اما علی الظاهر صاحبان این دیدگاه معتقدند مسئله خلاقیت و ابتکار یک چیزی غیر از خود فکر و اندیشه و هیأت حاصل از فکر و اندیشه است.

سؤال:

استاد: این مطلبی که شما می‌فرمایید، به سطح و عمق تألیف و اختراع برمی‌گردد؛ اگر کسی از روی یک کتاب عیناً رونویسی کند، باید یقه او را بگیرند که چرا این کار را انجام داده است. فرض این است که بالاخره یک اقدامی کرده و تفاوتی بین این و غیر آن هست؛ این تفاوت ممکن است بسیار ناچیز باشد. حداقلش این است که همان مطالب را با چینی‌های جدید ارائه کرده است؛ بالاخره این چینش محصول کار اوست. یک وقت هم کسی از اول تا آخر ابتکار و خلاقیت به خرج می‌دهد. الان مرتبه و درجه مدنظر ما نیست؛ یک کسی یک اختراع بسیار ساده می‌کند و یک کسی هم اختراع بسیار مهم و پیچیده. اگر خلاقیت و ابتکار را به عنوان حقیقت مالکیت معنوی یا فکری در نظر بگیریم، قهراً سلطه انسان بر این امر، یک سلطه تکوینی است؛ انسان مالک ابتکار خودش است؛ چون این ابتکار از وجود او خارج نیست و دو چیز محسوب نمی‌شوند، اصلاً ملکیت اعتباری در اینجا معنا ندارد. این یک قاعده است؛ ملکیت اعتباری تنها در جایی می‌تواند تصویر شود که دو شیء از هم جدا باشند؛ آن وقت ما بگوییم این مالک آن شیء است؛ یعنی یک نسبت و اضافه‌ای بین این دو شیء ایجاد کنیم، البته ایجاد اعتباری؛ در عالم حقیقت که اضافه و نسبتی بین اینها ایجاد نمی‌شود.

در این فرض ملکیت تکوینی و اعتباری است.

بر طبق دیدگاه هفتم

اگر به دیدگاه هفتم ملتزم شویم ... البته دیدگاه هفتم اشاره به اطلاعات و انتقال پیام دارد که شاید خودش قابل تجزیه به دو دیدگاه باشد؛ چون یک وقت خود اطلاعات (آگاهی) مدنظر است و یک وقت انتقال پیام به دیگران مدنظر است؛ یعنی ما می‌توانیم این را تفکیک کنیم و بگوییم اینها دو دیدگاه است. اگر کسی معتقد شد حقیقت و ماهیت مالکیت معنوی یا فکری خود آن اطلاعات است (اطلاعات یعنی مجموعه آگاهی‌هایی که شخص کسب می‌کند تا از این آگاهی‌ها یک استفاده‌ای کند و کتاب بنویسد؛ به عبارت دیگر، بن مایه پدیده)، این هم چیزی جدا از شخصیت پدیدآورنده نیست. این اطلاعات محصول هر چه باشد، جزئی از وجود این شخص است و شخص نسبت به آن احاطه و سلطنت تکوینی دارد؛ بنابراین ملکیت او نسبت به این حقیقت، ملکیت ذاتی و تکوینی می‌شود.

انتقال پیام هم با مسامحه تقریباً همینطور است؛ یک وقت انتقال پیام به عنوان یک چیزی که به دنبال اطلاعات پدید می‌آید در نظر گرفته می‌شود، یک وقت می‌گوییم این غیر از اطلاعات است. انتقال پیام یعنی اینکه من کاری می‌کنم و کتابی می‌نویسم و قصد من این است که یک چیزی را به دیگران منتقل کنم؛ خود انتقال پیام مدنظر باشد؛ اگر گفتیم انتقال پیام مورد نظر است، این از یک منظر می‌تواند جزئی از انسان باشد و از یک منظر جزئی از انسان نباشد. به هر حال در این باره هم شاید اولی این است که بگوییم انسان نسبت به این حقیقت هم مالکیت تکوینی و ذاتی دارد.

ملاحظه فرمودید از این هفت دیدگاه، تقریباً درمورد دو دیدگاه می‌تواند ملکیت تکوینی و ذاتی تحقق پیدا کند و متصور است؛

... بحث ملکیت را می‌گوییم؛ چون ما هنوز نگفته‌ایم که این حق است یا ملک. می‌گوییم انسان می‌تواند نسبت به عین جزئی خارجی مالک باشد، یا مالک باشد نسبت به یک عین کلی خارجی، مثل کلی فی الذمه؛ در این صورت مالکیتش حتماً مالکیت اعتباری است؛ اینجا نمی‌تواند مالکیت تکوینی یا ذاتی باشد. اما نسبت به پنج دیدگاه دیگر، امکان مالکیت وجود دارد و چنانچه ما رابطه بین پدیدآورنده اثر و آن شیء را رابطه مالکیت بدانیم، این از سنخ مالکیت ذاتی و تکوینی است. طبیعتاً اینها هر یک آثاری دارد؛ به این معنا که اگر این مالکیت ثابت شد و این سلطنت پدید آمد، چطور می‌شود؟ همه دعواها برای این است که ما این را معلوم کنیم. آنچه گفته شد بررسی امکان ملکیت نسبت به آن شیء بنابر دیدگاه‌های هفت‌گانه است؛ اگر قرار باشد مالکیت باشد، کدام تکوینی و کدام اعتباری.

بحث جلسه آینده

حال اگر حق باشد چطور؟ آن را هم باید طبق این دیدگاه‌ها تبیین کنیم و نهایتاً بگوییم که کدام یک از اینهاست.

«والحمد لله رب العالمین»